



ارزیابی وضعیت تیپ ۷ دزفول (ولی عصر^(عج))

در عملیات بیت المقدس*

گروه پژوهش فصلنامه

| | |
|---|--------------|
| <p>یکی از واحدهای ستادی در سال های آغازین فعالیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، واحد برنامه ریزی و نظارت بوده است. هدف اساسی این واحد، سیاست گذاری و برنامه ریزی برای واحدهای مختلف سپاه و نظارت بر چگونگی عملکرد آنها بوده است. در ابتدای شروع جنگ، این واحد کمتر به یگان های رزم توجه داشت؛ زیرا اصولاً وظیفه اصلی خویش را نظارت بر واحدهای ستادی و مراکز استانی سپاه می دانست. عملیات فتح المبین نقطه آغازی بر حضور برنامه ریزی شده واحدهای مختلف ستادی سپاه در جبهه های جنگ بود. این تصمیم در آن مقطع به دنبال جمع بندی فرماندهی وقت سپاه برای پر کردن خلأ بین واحدهای ستادی و رزمی اتخاذ شد. از آن پس، هر واحد ستادی در قبل، حین و پس از عملیات، موظف بود در جنگ در چهار چوب شرح وظایفش به ایفای نقش بپردازد.</p> <p>نظارت و ارزیابی بر عملکرد یگان های رزمی از جمله موضوعاتی بود که از این مقطع به بعد در دستور کار مسئولان واحد برنامه ریزی و نظارت قرار گرفت. در جریان عملیات فتح المبین به صورت ابتدایی و در عملیات بیت المقدس به شکل برنامه ریزی شده تر و گسترده تر، واحد برنامه ریزی و نظارت تلاش نمود تا در حین عملیات به ارزیابی عملکرد یگان ها پرداخته و گزارش آن را به فرماندهی کل سپاه منعکس نماید. بر همین اساس و با هدف بالا بردن کیفیت و کارایی یگان های رزم سپاه، واحد برنامه ریزی و نظارت تصمیم گرفت تا تیم های نظارتی خود را به یگان ها اعزام نماید. وظیفه اصلی این تیم ها، که معمولاً از یک گروه دو یا سه نفره تشکیل می شد، بررسی نقاط ضعف و قوت واحدهای مختلف رزمی و انعکاس آن به مسئولان مربوطه بود.</p> <p>گزارش هایی از این دست، آن هم در برهه زمانی ابتدای سال ۶۱ که سپاه پاسداران نهادی نوپا و مولودی سه ساله بود، نشانگر رویکردهای تحول طلبانه و انقلابی این نهاد برای برطرف کردن ضعف ها و تبدیل آن به قوت ها، جهت تسریع در سامان بخشی به امور یگان های رزم بوده است؛ و بر اساس همین روحیات انقلابی</p> | <p>اشاره</p> |
|---|--------------|

* منبع: گزیده اسناد عملیات بیت المقدس، جلد ششم، صفحه ۱۲۰ تا ۱۳۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

اعضا و احساس مسئولیت فرماندهان است که سپاه موفق شد در مدت زمانی کوتاه و خارج از استانداردهای مرسوم و به صورت تجربی، گردان‌های خود را به تیپ و تیپ‌ها را به لشکر و حتی برخی لشکرها را به سپاه ارتقا دهد.

گزارش وضعیت تیپ ۷ دزفول از جمله گزارش‌هایی است که دو نفر از اعضای واحد برنامه‌ریزی و نظارت ستاد مرکزی به نام‌های؛ آقایان ابوالفضل محمدی و محمد مینایی در جریان عملیات فتح خرمشهر تهیه و تنظیم کرده و به مسئولان مربوطه تحویل داده‌اند. مروری بر این گزارش ضمن این که بیانگر مسائل و مشکلات آن روز یگان‌های رزم سپاه است، دغدغه‌ها و تجربیات کسب شده در این زمینه را نیز انعکاس می‌دهد. ممکن است مسائل و موضوعات مطرح شده و ارزیابی و نتیجه‌گیری برادران واحد نظارت و ارزیابی، از نظر فرماندهان و مسئولان وقت یگان قابل‌خنده بوده و استدلال‌های خاص خود را در پی داشته باشد؛ لیکن بازگویی نقدهای مطرح شده، در مجموع می‌تواند شمایی از لایه‌های گوناگون امور مربوط به صحنه نبرد را برای تدابیر آتی، در مقابل دیدگان متولیان امروز و فردای سازمان رزم قرار دهد.

این گزارش، جمع‌بندی اطلاعات به دست آمده از قبل، بعد و حین عملیات است که گزارشگران آن، کار خود را یک روز قبل از عملیات آغاز کرده‌اند. گزارش، شامل معرفی اجمالی تیپ، شرح مختصر عملکرد تیپ در عملیات بیت المقدس و بررسی نقاط ضعف و قوت تیپ و پیشنهادات بیان شده در این باره می‌باشد. آنان همچنین اعلام کرده‌اند که تأخیر در اعزام شدن به یگان، موجب ضعف در شناخت کامل و مطلوب از جزئیات بیشتر درباره تیپ شده است.

۱) اسامی مسئولان تیپ

فرماندهان و مسئولان اصلی تیپ ۷ دزفول در عملیات بیت المقدس به ترتیب زیر بوده است:

- فرمانده تیپ: برادر رئوفی؛
- معاون تیپ: برادر کوسه چی؛
- مسئول ستاد: برادر بادروج؛
- اطلاعات عملیات: برادر سوداگر؛
- طرح و برنامه: برادر حداد؛
- تخریب: برادر بیگی؛
- مخابرات: برادر شیرزاد؛
- مهندسی رزمی: برادر جلالی؛
- پرسنلی: برادر پورگیلان؛
- تعاون: برادر چینی گرزاده؛
- تبلیغات: برادر ذاکر صالحی؛
- بهداری: برادر خرقی؛ و
- تدارکات: برادر عسکری.

فرماندهان گردان‌ها:

۱. گردان ابادر: برادر بنیادی؛
۲. گردان سلیمان: برادر منصوری؛
۳. گردان عمار: برادر خضریان؛
۴. گردان یاسر: برادر فضیلت؛
۵. گردان شهدا: برادر محمدی؛
۶. گردان میثم: برادر حداد؛ و
۷. گردان بلال: برادر کلولی.

۲) وضعیت واحدها

۲-۱) **اطلاعات عملیات:** مأموریت این واحد، شناسایی منطقه و عوارض آن، شناسایی استعداد نیروهای دشمن و محل استقرار آنها و نیز شناسایی مسیر حرکت نیروهای رزمنده در حین عملیات است. این واحد از دستگاه شنود نسبتاً خوبی برخوردار است؛ همچنین با استفاده از دکل دیده‌بانی، منطقه را زیر نظر دارد. آموزش نیروها نسبتاً خوب است. فعالیت این واحد در مرحله اول عملیات خوب بود؛ اما در مراحل بعدی، فعالیت آن کمتر شد، و گردان‌ها بدون شناخت از وضعیت دشمن، مسیر حرکت زمین و منطقه، وارد عمل می‌شدند که البته دلیل آن نیز محدودیت زمانی برای انجام کار بود. ضمن این که وضعیت دیده‌بانی در مرحله دوم و سوم عملیات چندان رضایت‌بخش نبود.

۲-۲) **طرح و برنامه عملیات:** مسئولیت این واحد، تهیه کالک و نقشه منطقه و مانور تیپ است که فرمانده تیپ نیز به این کار کمک می‌کند.

۲-۳) **مهندسی رزمی:** مسئولان آن جمعاً ۶ نفر هستند. یک ستاد مشترک از جهاد سازندگی، سپاه و ارتش برای کارهای مهندسی تشکیل شده است. مأموریت مهندسی رزمی شامل جاده‌سازی، پر کردن گودال‌ها، زدن خاکریز برای پدافند، تیغ زدن و قیرپاشی جاده‌ها و سنگرسازی است.

امکانات مهندسی تیپ، شامل ۱۲ دستگاه بولدوزر



D6، ۲ دستگاه لودر (نافص)، ۲ دستگاه خودرو و ۲ دستگاه موتورسیکلت است. کمبود امکانات مورد نیاز، عمده ترین مشکل مهندسی رزمی است، و لذا بیشتر کارها به وسیله جهاد سازندگی انجام می شود. اگر سپاه بتواند نیازهای مهندسی خود را تکمیل کند، جهاد سازندگی خواهد توانست به کارهای عمرانی اش در روستاها بپردازد؛ ضمن این که در آن صورت، مهندسی رزمی مستقیماً زیر نظر فرمانده یگان قرار می گیرد و کارایی آن ارتقا می یابد.

گردان ۳۴ نفر بی سیم چی دارد که برای هر دستگاه بی سیم یک نفر مسئول و یک نفر کمک آن می باشد. هر گردان ادغامی قاعدتاً باید ۵ بی سیم و گروهان مستقل یک بی سیم داشته باشد، اما در تیپ دزفول به دلیل به دست آوردن غنیمت های جنگی، هر گروهان ۴ بی سیم دارد و فرمانده گردان و تیپ نیز دارای بی سیم هستند که از این جهت امکانات سپاه از ارتش بهتر است. کادر فنی آشنا به امور مخابراتی در تیپ، ۴ نفر است که می توانند کارهای تعمیراتی را هم انجام دهند، لیکن کارهای تعمیراتی را بیشتر ارتش انجام می دهد. در یگان از کلمات رمز کمتر استفاده می شود و چند کلمه ساده را به عنوان رمز استفاده می کنند. آموزش در حد مطلوب نیست و کادرهای غیر ثابت را به صورت ساده آموزش می دهند. شنود و استراق سمع به سه صورت ایجاد مزاحمت (پارازیت)، فریب و کشف رمز انجام می شود که این کار را بیشتر واحد اطلاعات عملیات انجام می دهد. برقراری ارتباط مستمر، یک ضعف کلی است که به واحدهای دیگر تیپ نیز مربوط می شود. به عنوان مثال؛ ارتباط گروهان و دسته، تادو سه ساعت پس از آغاز حمله برقرار است و پس از آن قطع می شود و فقط در سطح گردان باقی می ماند. لذا پیشنهاد می شود:

۱. برای هر منطقه گردان مخابراتی تشکیل شود.

۲-۴) تخریب: در عملیات فتح المبین نیروهای این واحد ۵۸ نفر بوده اند که تعدادی از آنها شهید شده و تعدادی نیز هم اکنون در حال آموزش در دزفول می باشند و فعلاً ۱۶ نفر در تیپ، فعال هستند که قرار است ۵ نفر دیگر به آنها اضافه شود. این نیروها به تیم های ۶ نفره تقسیم شده اند و هنگام مأموریت چهار نفر از آنها دویه دو به کمین می نشینند و دو نفر دیگر مشغول به کار می شوند.

آنها سه چهار ساعت قبل از عملیات، پاکسازی منطقه را آغاز می کنند، سپس محل پاکسازی شده را علامت گذاری کرده دور آن را سیم خاردار می کشند و در فرصت مناسب میدان مین را خنثی می کنند. این واحد از نظر قطب نما، سیم بر، قیچی، قرص شب نما در مضیقه است، فقط یک خودرو در اختیار دارد و مسئولان واحد معتقدند برای یک تیپ، حداقل یک گروهان نیروی تخریب چی لازم است (برای هر دسته دو نفر). از ۱۶ نفر نیروی این واحد یک نفر سپاهی و بقیه بسیجی هستند. روحیه نیروها بالا و بسیار خوب است.

۲-۵) مخابرات: مخابرات به منزله سلسله اعصاب سازمان رزمی است و ارتباط فرماندهان رده های مختلف را برقرار می کند.

نیروی بی سیم چی تیپ در مجموع ۲۰۰ نفر است و هر



۲. دستگاه‌های بی سیم از لحاظ نوع یکسان و همیشگی باشد.

۳. کادر ثابتی برای مخابرات در نظر گرفته شود و آنها به صورت تخصصی تحت آموزش قرار گیرند.

۲-۶) بهداری: قسمت‌های مختلف بهداری شامل آموزش، ترابری (آمبولانس)، بهداشت، تدارکات، پست امداد (درمانگاه و داروخانه) و بیمارستان صحرائی است. هر کدام از این قسمت‌ها یک نفر مسئول دارد. در سطح گردان،

تلاش بر این است که هماهنگی لازم با ارتش انجام شود، چرا که سنگر بهداری ارتش عقب‌تر است و فشار سرویس دهی به مجروحان ارتش نیز به بهداری تیپ وارد می‌شود. فرمانده تیپ با بیمارستان صحرائی به وسیله سه دستگاه بی سیم در ارتباط است که تشکیلات موجود به همت خود برادران سازمان دهی شده و امکانات را از مراکز مختلف به دست می‌آورند و کمتر از بهداری کل به آنها کمک می‌شود.

امکانات بهداری در روز قبل از عملیات مرحله دوم عبارت بود از: ۸ دکتر، ۱۱ پزشک یار، ۱۵ آمبولانس رزرو (برای تقویت هر گردان ۳ آمبولانس)، یک چادر صحرائی با تعداد ۸ تخت، یک کانتینر متحرک پر از دارو و ۶ تخت رزرو بود. یکی از نقاط قوت این یگان، فعال بودن آن در امر جمع‌آوری امکانات و سرویس دهی به مجروحان است و نقطه ضعف آن نیز عدم پیش‌بینی مبتنی بر آمار است که آن هم از نداشتن شرح وظایف سرچشمه می‌گیرد. به طور مثال؛ آنها ظرفیت پذیرش مجروحین را پیش‌بینی نکرده بودند و پس از استقرار متوجه شدند که بهداری ارتش و تیپ حضرت رسول هم در این محل استقرار دارند.

وضعیت بهداشت خصوصاً در حین انجام عملیات، مطلوب نیست و این موضوع باعث شد تا ۶۰٪ از نیروهای

گروهان و دسته، مسئول بهداری وجود دارد. هر گروهان یک دسته ارکان دارد که ۱۲ نفر با ۱۲ برانکارد و کیسه‌های انفرادی، وظیفه اجرای کمک‌های اولیه و حمل مجروح را بر عهده دارند.

هر گردان ۲۰ امدادگر و ۶ آمبولانس در اختیار دارد که مسئولان بهداری گروهان‌ها و دسته‌ها، جزو امدادگران هستند. در وضعیت عادی، تیپ دارای ۲۰ دستگاه آمبولانس و در عملیات دارای ۵۰ دستگاه آمبولانس است. آموزش در بهداری شامل آموزش همگانی (امداد، بهداشت) برای تمامی نیروها و آموزش تخصصی (امداد، بهداشت) برای ارکان دسته و گروهان می‌باشد و امدادگران سطح بالاتر قبلاً آموزش دیده‌اند. تعداد نیروهای بخش بهداشت ۴ نفر است که وظیفه تأمین بهداشت محل استقرار تیپ در زمینه محیط زیست، آب و غذا را بر عهده دارند؛ که شامل بهداشت قبل، بعد و حین عملیات می‌شود. بخش ترابری وظیفه تأمین و تعمیر آمبولانس‌ها را بر عهده دارد.

در هر آمبولانس دو راننده و یک پزشک یار حضور دارند که برای انتقال مجروحین در خط فعالیت می‌کنند. از نقاط قوت تیپ ۷ دزفول بهداری آن است که در جریان عملیات آمادگی پذیرفتن ۵۰۰ مجروح را در هر روز دارد و حتی به یگان‌های دیگر نیز سرویس می‌دهد.

عملیات می باشد و فقط از بعضی لحاظ نظیر جیب خشاب در مضیقه است.

۳-۲) گردان یاسر: دوره های آموزشی سلاح، بی سیم و تاکتیک برگزار شده و نیروها ۲۰-۳۰ کیلومتر پیاده روی انجام داده اند. معاونان گردان و مسئولین تا حد فرمانده دسته توجیه شده اند، اما دسته ها هنوز بی سیم ندارند.

۳-۳) گردان عمار: بی سیم چی های این گردان آموزش دیده اند و پیاده روی نیروها انجام شده است. گردان، دو فرمانده دسته کم دارد و مقداری از کارهای تعاون هم انجام نشده است.

۳-۴) گردان میثم: آموزش سلاح ها، تاکتیک و رفتن روی خاکریز انجام شده است. این گردان، ۶۰ کیلومتر پیاده روی انجام داده است. فرمانده گروهان ها و دسته ها از دیدگاه دیده بانی توجیه شده اند. از لحاظ جیب خشاب کمبود به چشم می خورد.

۳-۵) گردان ابوذر: کسری نیروی ۵۰ نفری این گردان، تکمیل و سازمان دهی نیروها انجام شده است. با گردان ۱۴۰ ارتش ادغام صورت گرفته، و رزم شبانه، پیاده روی، رزم انفرادی و تیراندازی انجام شده است. بی سیم چی ها آمادگی لازم را دارند، اما دستگاه بی سیم کم است. فرمانده گردان، گردان ها و دسته ها فقط از روی کالک توجیه شده اند و شناخت خوبی از منطقه ندارند.

اگر هر گردان به طور مستقل یک نفر نیروی اطلاعات عملیات در اختیار می داشت، شناخت خوبی از منطقه پیدا می کردند.

۳-۶) گردان شهدا: آموزش، تاکتیک، سازماندهی و ادغام با گردان ۱۳۸ ارتش انجام شده است. توجیه بی سیم چی ها و امداد گران صورت گرفته، اما کار شناسائی و توجیه انجام نشده و فقط فرمانده گروهان ها از دیدگاه دیده بانی به منطقه توجیه شده اند.

۳-۷) گردان سلمان: کارهای پرسنلی و تعاون این گردان به اتمام رسیده، و پیاده روی و رزم شبانه انجام شده است. مهمات گردان هنوز نرسیده است. فرایند ادغام نیروها به دلیل بی تفاوتی و عدم هماهنگی گردان ۱۳۱ ارتش انجام نشده است. فرمانده گروهان ها و دسته ها از دیدگاه دیده بانی هنوز توجیه نشده اند.

گردان بلال، اسهال خونی بگیرند. علت نامطلوب بودن بهداشت این است که مسئول بهداشت، معلم نیز هست و فرصت رسیدگی به این کار را ندارد.

۲-۷) تبلیغات: این واحد دارای ۱۵ نفر پرسنل می باشد که تشکیلات آن به ترتیب ذیل است:

بخش امور تبلیغی شامل تشکیل کلاس ها، سخنرانی ها، نصب پرچم و پلاکارد، امور صوتی، خطاطی و نمایش فیلم است. در قسمت خطاطی، قبل از حمله مطالبی که روحیه افراد را تقویت و به جهاد و مقاومت دعوت می کند تهیه می شود و پس از حمله نیز مطالبی درباره جهاد اکبر و خودسازی، برای آمادگی در جنگ های بعدی تبلیغ می شود. بخش ارتباطات، برای کمک رسانی به خبرنگاران و عکاسان برای اعزام به خطوط عملیاتی فعالیت می کند.

بخش گزارش نویسی؛ در هر گردان ۱۰ نفر از افراد با استعداد انتخاب شده اند که شرح حال افراد، حوادث فوق العاده و امدادهای غیبی را جمع آوری کنند تا پس از عملیات در قالب ادبیات، شعر و داستان تدوین شود.

پخش کتاب، قرآن، نوار و غیره وظیفه بخش توزیع است که در ضمن، تشکیل کتابخانه، نوارخانه و اداره آن نیز از وظایف آن است.

در حال حاضر یک روحانی و یک فرد عرب زبان در این یگان حضور دارند. روحانی یگان در زمان آزاد بودن گردان ها برای نیروها صحبت می کند و در زمان حمله، برادر عرب زبان از طریق بلندگو دشمن را به تسلیم شدن ترغیب می کند و همچنین؛ مسئول صوت نیز نوارهای نوحه و سرود را پخش می کند.

۳) وضعیت گردان ها در قبل از عملیات

۳-۱) گردان بلال: این گردان توانسته کلاس های آموزش تخصصی آرپی جی، تیربار، طرز حمله به خاکریز دشمن، پیاده روی، تشریح بعضی از عملیات های قبلی، مانور کلی گردان بر روی خاکریز، رزم شبانه و بی سیم را برگزار کند. کارهای گردان از نظر پرسنلی و تعاون به اتمام رسیده و برادران حمل مجروح سه جلسه توجیهی داشته اند و کارشان تمام شده است. تمامی بی سیم چی ها به منطقه رفته و به خوبی توجیه شده اند. کلاً گردان آماده

۷) عملکرد گردان هادر عملیات

۷-۱) گردان شهدا: در حرکت به سوی دشمن، شخص بلدچی و فرمانده گردان هدف را گم کردند؛ اما بالاخره با دشمن درگیر و به جاده آسفالت رسیدند. نیروهای این گردان، تاپیک حدی دشمن را به طرف مرز تعقیب کردند. در این موقعیت، یک دسته از نیروها گم شدند و عده ای از رزمندگان نیز در یک کانال گیر افتادند.

در حال حاضر، ۱۸۰ نفر از مجموع ۳۰۰ نیروی گردان باقی مانده اند. روحیه افراد خوب است. از مشکلات این گردان، عدم هماهنگی و همکاری گردان ارتش با آن است که مسئولان رده بالای آنها، هنگام عملیات حضور ندارند و پس از عملیات حاضر می شوند. بخشی از تلفات نیروها ناشی از عملکرد توپخانه خودی بوده است به طوری که یک گلوله توپ، ۲۰ نفر از رزمندگان را شهید و مجروح کرد. در حال حاضر، گروهان اندیمشک از آمادگی برخوردار نیست، اما دو گروهان دیگر آمادگی نسبی دارند.

۷-۲) گردان یاسر: این گردان ساعت ۱:۳۰ بامداد به چهارصد متری جاده آسفالت رسید و ساعت ۲:۳۰ این جاده را به تصرف درآورد. رزمندگان تعدادی از خودروهای عبوری عراق را روی جاده آسفالت متوقف کردند. دو ماشین آیفای که یکی حامل مهمات و دیگری حامل ۳۰ نظامی عراق بودند توسط نیروهای رزمنده مورد اصابت واقع شدند. تا این زمان از نیروهای خودی، ۲ نفر شهید و ۸ نفر مجروح شده بودند. چون مسیر پشتیبانی زیر آتش دشمن قرار داشت، نیروها مجبور به عقب نشینی شدند که در این موقعیت نیز ۲۰ نفر شهید، ۸۸ نفر مجروح و دو نفر به اسارت درآمدند، اما اسیران بعداً آزاد شدند. پیکر تعدادی از شهدا هنوز در منطقه باقی مانده است. در حال حاضر گردان، تعداد ۱۳۰ نفر نیروی آماده رزم دارد و روحیه افراد خوب است. عده ای بی اجازه به شهر رفته و این امر موجب پخش شایعه منفی درباره گردان شده است.

۷-۳) گردان اباذر: این گردان به علت گم کردن مسیر دیرتر به مقصد رسید و یکی از گروهان های آن در محاصره قرار گرفت. گردان اباذر با گردان ۱۴۰ ارتش ادغام شده است، نیروهای ارتشی حرف شنوی و روحیه خوبی ندارند.

۴) خلاصه سخنان برادر رؤفی؛ فرمانده تیپ با

فرمانده گردان ها قبل از عملیات

در خصوص شناسایی منطقه، هیچ کس شناخت کاملی ندارد و نمی شود هم داشت. شما باید از روی کالک به خوبی توجه شوید. یک نفر بلدچی، شما را تا جایی که بتوانید دشمن را ببینید پیش می برد. ما از جاده آسفالت اهواز - خرمشهر اساساً شناخت کاملی نداریم. همه گردان ها امروز حتماً آماده باشند که اگر امشب دستور حمله صادر شد همه آمادگی لازم را داشته باشند. مشکلات و مسائل موجود هم قابل رفع است.

۵) سازمان و مأموریت تیپ

قرارگاه نصر در مجموع قرارگاه های فرعی نصر ۱ تا ۵ را در برمی گیرد که نصر ۱، شامل چهار گردان از ارتش و ۷ گردان از تیپ دزفول (ولی عصر (ع)) می باشد که ۳ گردان ادغامی و ۵ گردان مستقل (۱ گردان ارتش + ۴ گردان سپاه) هستند. تیپ ۷ دزفول در مرحله اول باید با ۷ گردان (۳ گردان در موج اول و ۴ گردان در موج دوم) وارد عمل می شد و هدف آن نیز پس از عبور از کارون، انهدام دشمن و رسیدن به جاده اهواز - خرمشهر بود.

۶) شرح عملیات مرحله اول

شب عملیات، ارتش عراق با یک تیپ زرهی در پشت جاده آسفالت، اقدام به تعویض نیروهایش در مقابل تیپ ۷ دزفول کرد. در این شب، سه گردان موج اول به دلیل دیر رسیدن مهمات و گم کردن مسیر با هوشیاری و مقاومت دشمن مواجه شدند. بنابراین یگان، سه گردان دیگر را وارد عمل کرد و گردان میثم در احتیاط باقی ماند.

نیروهای عملیاتی، یک روز قبل به وسیله قایق به غرب کارون منتقل شدند، سپس در روز بعد پل نصب و آماده شد. لذا به همین دلیل بین نیروهای رزمی و نیروی پشتیبانی کننده، به لحاظ زمانی و مکانی، فاصله ایجاد شد؛ ضمن اینکه به علت ترافیک عبور از پل، نیروهای زرهی با تأخیر وارد عمل شدند؛ که در مجموع، این عوامل موجب ضعف نیروها و افزایش تلفات شد، در نتیجه جاده آسفالت نیز با مشکلات بیشتری به تصرف رزمندگان درآمد.



شهدای گردان در حین
حمله ۷ نفر و تعداد مجروحین
آن ۱۶ نفر بود که روز دوم
عملیات نیز به دلیل پاتک دشمن
و آتش توپخانه خودی ۷ نفر
شهید و مجروح شدند. کیفیت
زرهی در گردان ضعیف، اما
روحیه نیروها خوب است.
گردان تقاضای انتقال به پشت
جبهه برای سازماندهی مجدد را
دارد. حدود ۶۰ درصد از
نیروهای گردان به اسهال خونی
دچار شده‌اند.

۷-۴) گردان بلال: این گردان
باید در موج دوم وارد عمل

می شد که به دلیل مشکلات پیش آمده برای
گردان های موج اول، در مرحله اول وارد عمل شد.
گردان بلال پس از پیشروی، در روز دوم در خط مقدم
استقرار یافت.

آمار گردان در این مرحله عملیات، از ۳۰۲ نفر به
حدود ۲۰۰ نفر رسیده است. یعنی ۴۲ نفر شهید، ۱۵ نفر
مفقود و ۴۵ نفر مجروح شده‌اند. روحیه نیروها خوب
است، اما به علت شهادت و مجروح شدن یک فرمانده و
دو معاون گروهان و نیز کمبود تیربار و آرپی جی، فرمانده
گردان تقاضای تعویض گردان برای سازمان دهی مجدد را
دارد. ضمناً تعدادی از مجروحین به دلیل تأخیر در رسیدن
آب به شهادت رسیده‌اند.

۷-۵) گردان سلمان: این گردان نیز قرار بود در موج دوم
وارد عمل شود، اما ساعت ۱۱ شب به آن ابلاغ شد که باید
در مرحله اول حمله کند، نیروهای گردان که هیچ تمرینی
برای عبور از رودخانه نداشتند، بدون توجیه اقدام به عبور
کردند. آنها هنگام سپیده صبح به جاده آسفالت رسیدند و
از جاده هم عبور کردند، اما به ناچار مجدداً به پشت جاده
آسفالت بازگشتند. گردان در روز اول ۴۰ شهید، مجروح و
مفقود و یک اسیر داشت. این گردان در روز دوم با مشکل
ادغام روبه رو شد و برادران ارتشی از ادغام و حرکت
کردن، خوداری کردند. در این مرحله نیز، گردان ۴۰ نفر

مجروح، ۲۰ نفر شهید و ۱۵ نفر مفقود داشت و از ۳۲۳ نفر
در حال حاضر ۲۰۰ نفر آماده رزم هستند.

۷-۶) گردان میثم: این گردان که در کیلومتر ۸ جاده
آسفالت، در احتیاط قرار داشت؛ در شب دوم وارد عمل
شد. تیربارهای گردان کار نمی کرد و ۷-۸ نفر از نیروهایش
مجروح شدند؛ اما در حال حاضر آماده رزم می باشد.

۷-۷) گردان عمار: گردان عمار، در حدود یک دسته نیرو
کم دارد. تیربارها و بی سیم هایش خرابند. به دلیل زخمی
شدن مسئول تعاون، به یک نفر برای مسئولیت واحد
تعاون نیازمند است و وضعیت تدارکات گردان در حد
ضعیفی قرار دارد. از نیروهای این گردان، یک نفر شهید، ۷
نفر مجروح و ۷ نفر مفقود شده‌اند.

جمع بندی

ضعفی که در گردان ها مشهود است این است که آنها پس
از گذشت چند روز، هنوز آمار دقیقی از نیروهایشان
ندارند. روحیه نیروها خوب است. آنها روز گذشته از
ارتش جدا شدند (فرمانده گردان ارتش سرهنگ خوشدل
است). خیلی از افراد آرپی جی زن از رده خارج شده‌اند.
عده ای از بچه ها در کانال عمیقی که فعلاً در قلمرو دشمن
است گیر افتاده‌اند. در طی عملیات، بعضی مواقع آتش
خودی روی افراد خودی ریخته شد.

شدید نیروها را در پی داشت، در نتیجه وقتی آنها به خط حمله رسیدند توان چندانی برای درگیری، مقاومت، حفاظت از مواضع تصرف شده و ایجاد استحکامات را نداشتند.

۵. در مراحل دوم و سوم عملیات به دلیل کمبود وقت، شناسایی‌ها خیلی ضعیف و در مرحله سوم در حد صفر بود.

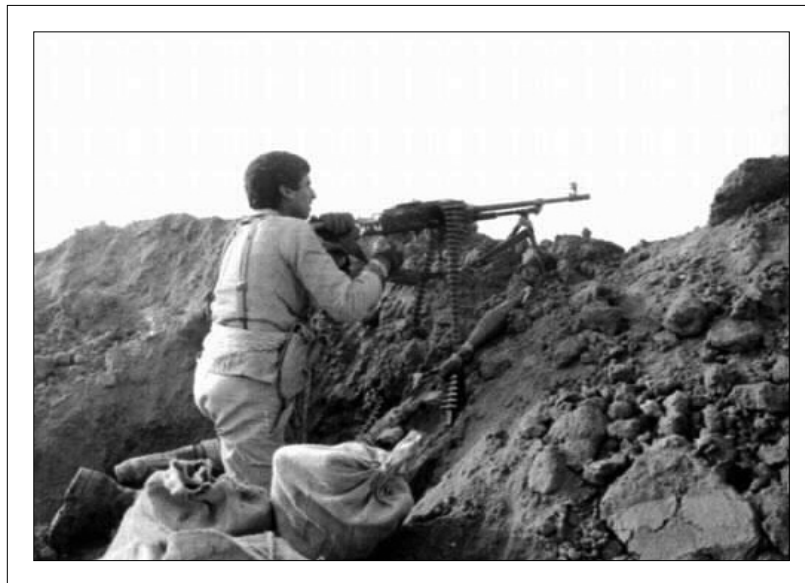
۶. ناآشنایی با میزان استعداد دشمن در مرحله دوم و سوم، و عدم برآورد صحیح در

این باره، تدابیر فرماندهان رده‌های مختلف یگان را برهم زد.

۷. از دیگر نقاط ضعف این تیپ، عدم اطلاع از نوع تجهیزات دشمن و در نتیجه، مطابقت نداشتن تجهیزات آن با تجهیزات عراقی‌ها بود. به عنوان مثال، در مرحله سوم عملیات، دشمن عمدتاً از تجهیزات زرهی استفاده می‌کرد، در صورتی که سلاح نیروهای عمل‌کننده خودی بیشتر کلاشینکف بود و بیشتر تیربارها و آرپی‌جی‌های آنها نیز خراب بود.

۸. نداشتن آمادگی فکری و جسمی برخی افراد در قبول مسئولیت، ضعف دیگری بود که مشهود بود؛ به طوری که بعضی مسئولین گروهان‌ها (مثل گروهان مطهری) اعتراف می‌کردند که آمادگی قبول این مسئولیت را ندارند.

۹. عدم توجه به کیفیت جسمی و ترکیب سنی افراد، مشکل ساز است. به عنوان مثال، وقتی از نیروهای کم سن و از لحاظ جسمی ضعیف استفاده می‌شود، نتیجه آن خستگی زودرس، ترس، دیر توجه شدن و نیز عدم توانایی انجام مسئولیت محوله خواهد بود. در گروهان‌های مطهری و جانبازان روح‌الله، افرادی مسئول حمل شهداء و مجروحین و مهمات



۸) نقاط ضعف و نقایص در قبل و بعد از حمله

۱. در عملیات به بعضی از مسائل مهم مانند این که تیپ، استعداد و قدرت هدایت چند گردان را دارد (۴ گردان؟ ۷ گردان؟ ۱۳ گردان؟) توجهی نشده است، لذا هدایت تیپ در اکثر موارد دچار اشکال بوده است. مسلم است که هر قدر تعداد گردان‌ها در یک تیپ بیشتر باشد، تجهیز و آماده کردن آنها، از نظر روحی و جسمی، آشنا کردن آنها به منطقه، نقل و انتقالات، هدایت، سرعت استفاده و بازسازی آنها و مسائل دیگر، از کیفیت کمتری برخوردار خواهد بود.

۲. قدرت ستادی و پشتیبانی تیپ با استعداد نیرویی آن مطابقت ندارد. به عنوان مثال، در حالی که ۵ گردان در طی عملیات به تیپ ۷ دزفول اضافه شد، درباره چگونگی پشتیبانی و تسلیح گردان‌های اضافه شده، تجهیز کردن آنها، دادن اطلاعات و آموزش، شناسایی منطقه عملیاتی و غیره توجه لازم صورت نگرفته بود.

۳. تأخیر در ابلاغ مأموریت به تیپ، موجب شد آن دیرتر وارد عمل شود که این امر، صدماتی را به یگان تحمیل کرد.

۴. پیاده روی طولانی (۱۵ تا ۲۰ کیلومتر) خستگی

۱۷. از مهمات به خوبی حفاظت نمی شود و مهمات در فضای آزاد و در زیر آتش دشمن قرار دارد.
۱۸. شهید و مجروح شدن بسیاری از نیروهای رزمنده در هنگامی که عملیات به روز کشیده می شود، حاکی از آن است که برای حمله در هنگام روز، تدبیر مؤثری اندیشیده نشده است.
۱۹. بسیاری از تیربارها خراب بودند و یا مهمات نداشتند و گاهی نیروها حتی قدرت باز و بسته کردن این سلاح ها را نداشتند.
۲۰. برنامه ریزی تدارکاتی، متناسب با عملیات و مسائل و مشکلات آن نبود. تدارکات در بعضی موارد به علت گم کردن مسیر خوب عمل نکرده است. در شب حمله آب، مهمات و غذا با تأخیر توزیع شد.
۲۱. آتش توپخانه ارتش با میزان پیشروی رزمندگان هماهنگی نداشت و در مواردی، آتش روی نیروهای خودی ریخته شده و تلفاتی را باعث شده است.
۲۲. مسئولان رده های مختلف تیپ، آشنایی لازم را برای گرا دادن به توپخانه ندارند.
۲۳. رزمندگان به طور مکرر از عدم همکاری و یا پنهان شدن برادران ارتشی در حین عملیات و سپس حضور آنها پس از عملیات گلایه داشتند.
۲۴. مسئولان، مراحل مختلف عملیات را ارزیابی نمی کنند و در نتیجه، نقاط ضعف و قوت یگان ناشناخته می ماند.
۲۵. برای جایگزینی فرمانده در حین عملیات تدبیری اندیشیده نشده است؛ به عنوان مثال، فرمانده گردان جانبازان روح الله و معاونش در مرحله سوم عملیات شهید شدند و این گردان سه روز بدون فرمانده بود.
۲۶. بعضاً به دلیل عدم آموزش و عدم اتخاذ تدابیر لازم، سازمان دهی نیروها در هنگام حمله و یا عقب نشینی، طوری به هم می خورد که هدایت و کنترل نیروها را مشکل می کند. ضمن این که، بعضی از افراد گردان یاسر پس از عقب نشینی، بدون اجازه به شهر رفته اند.
- بودند که در بعضی موارد، ۵ نفر از آنان توانایی حمل یک مجروح ۷۰-۸۰ کیلویی را نداشتند.
۱۰. در مواردی، آموزش نیروهای بسیجی بسیار ضعیف است. به عنوان مثال، از ۲۷ نفر آرپی جی زن تنها سه نفر از آنها می توانستند از فاصله ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری، هدف را بزنند و گاهی هم اصلاً هیچ کدام نمی توانستند.
۱۱. با توجه به این که ۹۰ درصد نیروهای رزمی ما از بسیجی ها تشکیل می شوند، اگر ترتیبی داده شود که پس از انجام دو بار عملیات، آنها تعویض شوند، استراحت آنان موجب تقویت روحی و کارایی بیشتر می شود؛ زیرا ترکیب نیروهای بسیجی از نظر سنی و روحی، یک ترکیب نظامی صرف نیست و حرفه اصلی آنها مشاغل دیگری است و براساس احساس مسئولیت و تعهد به جبهه آمده اند؛ بنابراین، در مواجهه با دوستان شهید و مجروح خود متأثر شده و نیاز به تقویت روحی دارند.
۱۲. نداشتن تجهیزات ساده انفرادی از دیگر نقاط ضعف تیپ ۷ ذرفول بود، به طوری که نیروهای گردان مطهری و جانبازان روح الله در مرحله سوم عملیات، بیل و کلنگ برای کندن سنگر در اختیار نداشتند.
۱۳. عدم توجه به مقررات ایمنی و آموزش آن به افراد از جمله نقاط ضعفی بود که مشهود بود؛ به عنوان مثال، هنگامی که دشمن خمپاره می زند، نیروها یا خیز نمی روند و یا اینکه دیر دراز کش می شوند.
۱۴. در رده های مختلف یگان، به کندن سنگر و تدابیر حفاظتی اهمیت چندانی داده نمی شود.
۱۵. نیروها در خصوص استفاده از اصل غافلگیری خوب توجیه نشده اند. به طوری که گردان هایی نظیر گردان مطهری از فاصله ۳ کیلومتری با گفتن تکبیر و شلیک گلوله، دشمن را متوجه خود کردند و باعث شدند صدماتی به گردان وارد شود.
۱۶. رزمندگان به اختفای خود و عدم جلب توجه دشمن به محل استقرارشان، توجه لازم را ندارند و گاهی این موضوع رانوعی تهور و شجاعت می دانند.

مناسب نبود و در خط مقدم نیز همکاری لازم در ساخت سکو برای توپ ۱۰۶ وجود نداشت.

۳۸. واحدهای ستادی در مجموع از ضعف‌هایی برخوردار بودند.

۳۹. تحرک واحد زرهی بسیار ضعیف بود، در حالی که حضور فعال این واحد موجب قوت عمل نیروهای رزمی می‌باشد.

۴۰. چون مجموعه کاملی از اسم رمز برای مکالمه بی سیم وجود نداشت، دشمن می‌توانست به راحتی از مکالمات بی‌سیمی نیروهای ما باخبر شود.

۲۷. واحد بهداشت، بر روی برنامه غذایی یگان، دقت لازم را ندارد؛ به نحوی که در شب عملیات، ماست و غذاهای خواب آور به نیروها داده شده بود.

۲۸. واحد دژبانی، سیستم منظمی در منطقه عملیاتی ندارد و در بعضی مواقع باعث ایجاد تأخیر در رسیدن یگان‌ها می‌شود.

۲۹. برنامه جمع‌آوری غنایم، نامرتب و نابسامان بود. به طوری که تانک، نفربر، تیربار، آرپی جی و مهمات مختلف بسیاری در منطقه وجود داشت و عدم برنامه ریزی در این مورد موجب شده بود که دستگاه‌های زرهی دشمن با مهمات آن منهدم شوند، در صورتی که حداقل مهمات آنها قابل تخلیه بود.

۳۰. توجیه نیروهای خودی درباره چگونگی رفتار با اسیران دشمن، بسیار ضعیف است.

۳۱. جمع‌آوری اسلحه و مهمات و وسایل مجروحان و شهدا، وضعیت خوبی نداشت، و مجروحان مایل نبودند وسایل خود را بدون رسید تحویل دهند و به ناچار تحویل می‌دادند.

۳۲. برای دفن کشته‌های دشمن، برنامه مشخصی وجود نداشت و در مواردی اجساد آنها چند روز در منطقه مانده و بوی تعفن محیط را فرا گرفته بود که این امر ممکن است موجب شیوع بیماری شود.

۳۳. کیفیت نظافت محیط بهداشتی و سوزاندن لباس‌های مجروحان در حد ضعیفی انجام می‌شد و نیروها برای انجام کمک‌های اولیه و مقدماتی، خوب توجیه نشده بودند؛ به طوری که، اصابت گلوله به دست یکی از مجروحان و خونریزی آن موجب شهید شدن وی گردید.

۳۴. بعضی از رزمندگان از کیفیت کار دیدبان‌ها رضایت نداشتند.

۳۵. علامت‌گذاری در جاده‌ها و مسیر رسیدن به مقر گردان‌ها ضعیف بود، که این امر به ضعف پشتیبانی و دیر رسیدن تدارکات منجر می‌شد.

۳۶. کمبود نیروی ثابت در واحدهایی مثل مخابرات، موجب گم و رها شدن بی سیم‌ها شده بود.

۳۷. سرعت کار واحد مهندسی از نظر جاده‌سازی